

نصاب انگلیسی فرهاد میرزا معتمدالدوله

بهرز محمودی بختیاری *

چکیده

این مقاله به معرفی نخستین ابزار کمک آموزشی زبان انگلیسی در ایران می‌پردازد. این ابزار، نصابی انگلیسی است که در سال ۱۸۵۳ م. فرهاد میرزای قاجار آن را سروده و معنی حدود ۱۱۰۰ کلمه را در قالب یازده بخش منظوم ارائه کرده است. در این مقاله ضمن مروری اجمالی بر مفهوم نصاب و بررسی زندگی فرهاد میرزا، متن کامل این نصاب به همراه پاره‌ای از توضیحات درباره واژه‌های آن ارائه می‌شود.

کلیدواژه: نصاب، زبان انگلیسی، زبان فارسی، متن دوره قاجار، فرهاد میرزا معتمدالدوله.

۱. نصاب و نصاب‌سرایي

«نصاب» عنوان عمومی واژه نامه‌های منظومی است که از دیرباز برای سهولت در به خاطر سپاری واژگان تهیه می‌شده‌اند. البته سرایش نصاب به واژگان محدود نمی‌شود؛ کما اینکه برخی کتاب‌های صرف و نحو منظوم هم نصاب خوانده می‌شوند، مانند الفیة ابن مالک که کتابی هزار بیتي در آموزش صرف و نحو عربي برای آموزش به دانشجویان است. مشهورترین نصاب عربي که به نظم فارسی درآمده، نصاب‌الصبيان نام دارد که در سال‌های پایانی سده ششم و سال‌های آغازین سده هفتم هجری ابونصر فراهی آن را سروده، و الگوی اکثر نصاب‌های پس از خود شده است. مجموعاً نصاب‌های موجود به زبان فارسی از چند حالت خارج نیستند:

نصاب‌های عربی به فارسی (مانند زهرة الادب شکرالله بن احمد القاضي، نصیب الفتیان حسام خوبی، نصاب تحنيس الالفاظ امير خسرو دهلوی، سلك جواهر بدرالدین ابونصر فراهی، نصیب الاخوان سروده فردی بنام «مطهر»، مرقابة الادب احمدی کرمیانی و بسیاری دیگر)؛

نصاب‌های هندی به فارسی (مانند نصاب هندی یوسفی هروی)؛
نصاب‌های زبان‌های اروپایی (مانند نصاب انگلیسی فرهاد میرزا معتمدالدوله، نصاب فرانسه میرزا عبدالحسین، نصاب فرانسه میرزا صادق ادیب‌الممالک فراهانی که در دیوان او چاپ شده است؛ و نصاب فرانسه بهجت قاجار)؛

نصاب‌های فارسی به ترکی (مانند تحفه سام حسام خوبی، نخبة اللغات محمد وهبی سنبل‌زاده، مشوق الصبیان مضطر زنوزی تبریزی و چند اثر دیگر)؛
نصاب‌های گویشهای محلی به فارسی (مانند نصاب بیرجندی ملا علی اشرف صبوچی، نصاب طبری امیر تیمور قاجار، نصاب شوشتری محمد باقر نیرومند و نمونه‌های دیگر) و در نهایت:

نصاب‌های چند زبانه (مانند مطبوع الصبیان امیر خسرو دهلوی که نصابی فارسی - عربی - هندی است، نظم الجواهر سیدحسن نقشبندی که نصابی عربی - فارسی - ترکی است و یا نصاب شش زبانه ترکی - عربی - فارسی - افغانی - هندی - کشمیری از سراینده‌ای ناشناخته که در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود (برای مطالعات بیشتر، نک: لغت‌نامه، مقدمه؛ اقبال (۱۳۱۸)؛ سلماسی‌زاده (۱۳۵۱) و انوشه (۱۳۸۱) ذیل مدخل «نصاب»).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نصاب‌ها عمدتاً عربی، ترکی یا فرانسوی هستند و نصاب فرهاد میرزای معتمدالدوله ظاهراً تنها نصاب انگلیسی شناخته شده است. در این مقاله متن این نصاب را مرور خواهیم کرد.

۲. فرهاد میرزا معتمدالدوله، سراینده نصاب انگلیسی

فرهاد میرزا معتمدالدوله (جمادی الاول ۱۲۳۳، تبریز تا ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۰۵، تهران)، از شاهزادگان با مطالعه و فاضل قاجاریه به شمار می‌رود. او پسر پانزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه، از ۴۸ فرزند اوست و با یازده سال اختلاف سن، برادر ناتنی محمد میرزا (محمدشاه قاجار بعدی) بوده است. قرائن نشان می‌دهد که فرهاد میرزا در میان دیگر خواهران و برادران خود، از موقعیت ویژه‌ای نزد برادر خود برخوردار بوده است (نواب صفا ۶: ۱۳۶۶) و مدتها نایب‌الایاله لرستان، خوزستان، تهران و فارس بوده است (همان، ص ۸). او همچنین در سال ۱۲۷۸ ه. ق از ناصرالدین شاه قاجار لقب «معتمدالدوله» را

دریافت کرده و مجموعاً فردی سیاسی و اداری قلمداد می‌شده است. در این گفتار به زندگی سیاسی و حکومتی او نمی‌پردازیم، و مشخصاً با وجهه فرهنگی او سروکار خواهیم داشت (علاقمدان به شرح زندگی سیاسی او می‌توانند علاوه بر نواب صفا ۱۳۶۶، به بامداد ۱۳۴۷: ۸۱-۹۲ رجوع کنند).

فرهاد میرزا را در کنار افرادی چون علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، بهمن میرزا بهاءالدوله و ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس متخلص به «حیرت»، از شاهزادگان اهل فضل قاجار دانسته‌اند. به گفته هدایت (۹۵: ۱۳۴۰)، فرهاد میرزا «از بدایت شباب به کسب فضایل جدّ بلوغ و عزم راسخ داشته و همت بر تحصیل علوم و تکمیل اخلاق گماشته» است. از سوی دیگر، طبق ادعای معیرالممالک (۱۳۶۱)، فرهاد میرزا علاوه بر معلومات در ادبیات و زبان، در علوم مذهبی هم درجه اجتهاد داشت و ریاضی و جغرافیا هم می‌دانست.

از او کتابهای متعددی برجا مانده‌اند که فهرست‌وار به شرح زیرند: کنزالحساب، جام جم، قمقام الزخار و صمصام الطبار، سفرنامه مدینه یا هدایت السبیل و کفایت الدلیل، کتاب زنبیل، نصاب انگلیسی، منشآت و دیوان اشعار (برای توضیحات و شرح و بسط هر کدام، نک: نواب صفا ۱۳۶۶: ۲۲۵-۳۲۸).

نصاب انگلیسی فرهاد میرزا نمونه‌ای از فعالیت‌های او در عرصه تفنن‌های ادبی است. نمونه دیگری از تفنن‌های او نگارش متونی است که در آنها حرف مشخصی وجود ندارد؛ مانند متن «عیادت مرد کر از فرد رنجور»، که در آن حرف «ب» موجود نیست، یا حکایت دیگری که حرف «الف» ندارد (نک: همان، ۳۳۵-۳۳۶).

۳. نصاب انگلیسی

نصاب انگلیسی در سال ۱۸۵۳ سروده شده و در سال ۱۲۸۳ ق (۱۸۶۶ م) در تهران و توسط اعتضادالسلطنه منتشر شده است.

این نصاب ۱۵۲ صفحه‌ای در ۱۱ قسمت اصلی سروده شده و مجموعاً ۲۷۹ بیت دارد و به معنای ۱۰۹۲ کلمه می‌پردازد. در قسمت اول، ۱۲۸ کلمه در ۲۴ بیت در بحر رمل با قافیه -u، در قسمت دوم، ۱۰۷ کلمه در ۳۰ بیت در بحر خفیف با قافیه -ar، در قسمت سوم، ۶۹ کلمه در ۱۸ بیت در بحر مجتث با قافیه -aq، در قسمت چهارم، ۸۶ کلمه در ۲۳ بیت در بحر متقارب با قافیه -in، در قسمت پنجم، ۱۶۸ کلمه در ۳۴ بیت در بحر رجز با قافیه -el، در قسمت ششم، ۱۱۱ کلمه در ۲۵ بیت در بحر مضارع با قافیه -âb، در قسمت هفتم، ۷۲ کلمه در ۱۸ بیت در بحر مجتث با قافیه -âz، در قسمت هشتم،

۴۱ کلمه در ۱۵ بیت در بحر خفیف با قافیه -âne، در قسمت نهم، ۹۱ کلمه در ۱۵ بیت در بحر رجز با قافیه -at، در قسمت دهم، ۶۰ کلمه در ۱۹ بیت در بحر رمل با قافیه -âd، و در قسمت یازدهم، ۱۱۱ کلمه در ۳۲ بیت در بحر مجتث با قافیه -ân، آمده‌اند.

علاوه بر موارد یاد شده، یک دو بیتی در معرفی هفت کواکب، ۱۱ بیت در معرفی اعداد، ۵ بیت در معرفی بروج آسمانی، ۴ بیت در معرفی ماههای میلادی و ۴ بیت در معرفی ایام هفته نیز در لابلای این بخش‌ها آمده‌اند، که عملاً تنها بخش‌های کاملاً مرتبط واژگانی در این نصاب هستند.

ظاهراً انگیزه سرایش این نصاب، حضور مستشاران انگلیسی در ایران به منظور آموزش استفاده از تلگراف بوده است. در روبه نخست این کتاب و پیش از شروع مقدمه، زیر نام ناصرالدین شاه قاجار چنین آمده است:

الحمد لله و المنه در این اوّل فیروزی نشان از یمن و برکت وجود مسعود اعلیحضرت قدر قدرت، شاهنشاه اسلامیان پناه، پادشاه گردون جاه، السلطان بن السلطان بن السلطان، خلدالله ملکه و سلطانه، رواج بازار علم و دانش است و همه صنایع در ممالک ایران شایع است، از آن جمله سیم تلغراف است که در اکثر ولایات کشیده شده و اکنون از دارالسلطنه لندن تا کلکته که تقریباً شش ساعت نجومی مسافت است، در چند دقیقه کشف حقایق میکنند و چون در دارالخلافه طهران معلمین تلغراف به زبان انگلیسی تکلم میکردند و متعلمین آن زبان احتیاج به لغت انگلیسی داشتند، لهذا این کتاب نصاب به سعی و اهتمام نواب مستطاب اشرف ارفع والا، شاهزاده آزاده اعتضادالسلطنه وزیر علوم دام اجلاله و اقباله العالی به صفت طبع در آمد که به سهولت از معضلات آن لغت کشف اسرار نمایند، و کان تحریر ذلک فی بیستم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۳ هجری - علی هاجرها الف الف سلام - موافق اوّل سپتمبر سنه ۱۸۶۶ میلادی.

آنگونه که از مقدمه کتاب بر می آید، مبنای تلفظ واژه‌ها فرهنگ لغت Walker بوده است، مع‌هذا ثبت تلفظ بسیاری از واژه‌ها در این نصاب خالی از اشکال نیست، به طوری که تلفظ برخی کلمات کاملاً نادرست آمده است. به عبارت دیگر، در متن این نصاب، برای همگون‌سازی الگوهای آوایی دو زبان فارسی و انگلیسی، و رعایت ضرورت‌های شعری از سوی دیگر، تغییرات آوایی در کلمات پدید آمده است، که این تغییرات از نوع حذف آوا، افزایش آوا و دگرگونی‌های واکه‌ای است، که صورت موجود آنها در نصاب را در میان دو قلاب خواهید دید.

دلایل متعددی برای حذف‌های موجود می‌توان برشمرد:

گاهی آوایی در فارسی وجود ندارد (مانند واکه مرکزی ə) در کلمات: [kâtn] cotton، [apl] apple، [bâtn] buton، [lesn] lesson، [bâtl] bottle، [nobl] noble، [âyrn] iron و [katl] cattle.

گاهی هم این حذف صرفاً به خاطر محدودیت‌های وزنی و قافیه‌ای صورت گرفته است، مانند: [enmi] enemy، [hevn] heaven، [opn] open، [kâzn] cousin، [vepn] weapon، [ševr] shower، [magzin] magazine و [impâsbel] impossible. تبدیل دیگر، حذف یا تغییر واکه‌های مرکب است، در نمونه‌های [sop] soap، [vâpor] vapor و [gâbril] Gabriel، [klir] clear، [bebi] baby. مواردی که در آن آوایی افزوده شده است نیز بدین شرح است:

عدم وجود خوشه همخوانی سه تایی در فارسی، سراینده را وادار کرده که با وارد کردن واکه‌ای در خوشه، تلفظ کلمه را با الگوهای تلفظی فارسی سازگار کند، مانند [semok] smoke، [seliv] sleeve، [selip] sleep، [hândered] slap و [deynejer] danger و hundred.

مواردی هم هست که اضافه شدن همخوان، صرفاً دلیل وزن و قافیه‌ای داشته است، مانند [ansver] answer، [dâyemond] diamond و [aro] arrow.

و در نهایت مواردی وجود دارند که در آنها نظام واکه‌ای کلمه کاملاً تغییر کرده، مانند [âyboru] eyebrow، [rilejân] religion، [ye'res] years، [fârti] forty، [umlet] omelet، [bâyi] boy، [pikčevor] picture، [meditarniyan] picture، [kâyukâمبر] cucumber و [mitâfer] metaphor، Mediterranean.

در کنار کلماتی اصولاً به نادرستی خوانده شده‌اند، که همگی آنها دارای wh- هستند: [hoven] when، [hoveyr] where، [hovay] who و [hovâyt] white. در متن این نصاب، کلمات انگلیسی با حروف فارسی در متن آمده‌اند که خواندن را با مشکل مواجه می‌کنند. در این مقاله برای راحتی بیشتر خوانندگان، کلمات انگلیسی را با املای اصلی‌شان آورده‌ام و هر جا که شاعر بنا به ضرورتی در تلفظ کلمه تصرف کرده است، در میان دو کمان و روبروی همان مصراع اصل آن را ذکر کرده‌ام، با این امید که خوانندگان این مقاله سختی کار مرا به هنگام خواندن این متن تجربه نکنند.

لازم به ذکر می‌دانم که در تصحیح این نصاب از نسخه موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (به شماره a/99) استفاده کرده‌ام، که بدین وسیله از تمامی همکاران خود در آن کتابخانه (به ویژه سرکار خانم کونانی و جناب آقای قلیزاده) سپاسگزاری می‌کنم.

متن نصاب انگلیسی

نصاب انگلیسی که از نتایج خاطر نواب مستنطاب حقایق و دقایق نصاب ذوالعزّ الرفیع و الحسب المنیع، شاهزاده اعظم معتمدالدوله فرهاد میرزا دام اقباله العالی است. بدان که اکثر لغات انگلیسی در تلفظ با صورت کتابت اختلاف دارد و آنچه به رشته نظم درآمده است، موافق تلفظ فصحای ایشان است، که اکثر از روی لغت واکر تصحیح شده است. چون معانی لغت انگلیسی بعضی به لغت عربی و بعضی به لغت فارسی بیان شده است، لهذا در تحت هر شعری هر دو لغت را به دوزبان به ترتیبی که نظم شده است معلوم می‌سازد و همان لغت انگلیسی به خط انگلیسی می‌نگارد که ملاحظه کنندگان از سه لغت آگاه شوند، وَ مِنْ اللَّهِ الْإِعَانَهُ وَ التَّوْفِيقَ، رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ احْلِلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در مه دی جام می ده ای نگار ماه رو،
کز شمیم آن دماغ عقل گردد مُشکبو.
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
از لغات انگلیسی در رمل این قطعه جو:
head «سر» است و nose «بینی»، lip «لب» است و eye چه «چشم»،
tooth «دندان»، foot «پا» و hand «دست» و face «رو».
«گوش» و «گردن» ear و neck: cheek «چهره»، tongue آمد «زبان».
«ناف» navel دان و «پستان» را bosom خوان؛ hair «مو».
arm «بازو»، knee چه «زانو»، thigh چه «ران»؛ «اشکم» belly.
eye lashes «مژگان» شمار، «ابروی» را خوان eyebrow. (با تلفظ âyboru)
«ماه» moon و «مهر» sky sun «فلک»، «دنیا» ست world.
deep «ژرف» و night «شب»، day «روز» دان، temper چو «خو».
spring آمد «بهار»، autumn بود «فصل خزان»،
چون summer «صیف» است، winter شد «شتا» بی گفتگو.
south را خوانی «جنوب» و north را دانی «شمال»،
east «مشرق» را شماری، west «مغرب» را بگو.

earth «خاک» و wind «باد» و fire «آتش» و water «آب»،
 bath «گرمابه» است و soap «صابون» و market «چارسو»،
 isle را خوانی «جزیره»، همچو ocean را «محیط»،
 port «بندر»، sea است «دریا»، gulf هم «شرمی» از او.
 sister آمد «خواهر» و father «پدر»، daughter چو «دخت»،
 wife «زوجه»، چون mother «مادر» بود، husband «شو»،
 part «قسمت»، name «نام»، ancient مییاشد «قدیم»،
 shirt «پیراهن» بود، skirt «دامن»، jar «سبو»،
 sheep باشد «گوسفند» و goat «بز»، «صحرا» plain،
 «خون» fiber، blood چو «رگ»، چون leech مییاشد «زلو»،
 cheap را «ارزان» شماری، همچو dear آمد «گران»،
 «زشت و بد» را bad بدان و good را «خوب و نکو»،
 hope «امید» و «خنده» laugh، «گریه» cry، «تاریک» dark،
 light «نور» و old «کهنه» چون new گردید «نو»،
 short چه «کوتاه» و long آمد «دراز» و far «دور»،
 near شد «نزدیک» و high «میدان بلند» و «پست» low.
 «پشم» wool چون cotton «پنبه»، left «چپ»، چون right «راست»، (با تلفظ kâtn)
 full چه «پُر»، empty چه «خالی»، rose «گل»، smell چه «بو»،
 bow «کمان» و «تیر» arrow، چون «دوست» مییاشد friend (با تلفظ arro)
 mace «گرز» و «تیغ» enemy sword همی خوانی «عدو». (با تلفظ enmi)
 box «جعبه»، tongs «ماشه»، knife «کارد»، spit «سیخ»،
 husk با bark است «قشر» و، «مغز» را گویی morrow.
 «موش» mouse و «گره» puss، «روباه» fox و «کلب» dog،
 «گاو» cow، «گوساله» calf و horn مییاشد «سُرُو».
 apple «سیب» و pear «گُمَرَمَرَمی»، cucumber «خیار» (با تلفظهای apl و
 kâyukâmbler)
 apricot «مشمش»، quince «آبی» و peach آمد «هلو»،
 «چند» how much، «بر» over، except «جز»، often «بسا»،

if «اگر»، how «چون»، when «کی»، where گردید «کو» (با تلفظهای hoven و hoveyr)

«داشتن» to have، «خریدن» را همی نامی to buy،
«خواستن» to want، «خائیدن» همی خوانی to chew.
بیت آخر را تامل کن که تا دانی همی،
معنی مصدر نبخشد تا نباشد حرفِ to.

وله ایضا فی البحر الخفیف

خیز و می ده که عمر در گذر است،

در گذر را چه مایه و اثر است

فاعلاتن مفاعلن فعلات

از خفیف این قصیده ام زبر است:

God «خدا» و prophet است «نبی»،

paradise آن «بهشت» مستقر است.

angle آمد «فرشته»، church «کنشت»،

religion «دین» بدان و hell «سقر» است (با تلفظ rîlejân).

aunt «عمه» است و uncle است «عمو»،

«مرد» man، همچنانکه son «پسر» است.

gun چه «توپ» است و musket است «تفنگ»،

«نیزه» spear، shield چه «سپر» است.

«صبح» morning و «شام» evening است،

today «امروز» دان و dawn «سحر» است.

iron «آهن» بدان و cupper «مس» (با تلفظ âyrn).

«سیم» silver شمار و gold «زر» است.

lame «لنگ» و blind باشد «کور»،

dumb و deaf همچنانکه «لال» و «کر» است.

«ترش» باشد sour، sweet چه «حلو»،

salt باشد «نمک»، sugar «شکر» است.

heart «قلب» است و spleen چه «سیپرز»،
 lungs «شُش» باشد و liver «جگر» است.
 shop «دکان» است، چونکه key است «کلید»،
 «قفل» را lock خوان و door «در» است.
 vain «ورید» است و artery «شریان»،
 lancet البته نام «نیستر» است.
 stream است «جوی» و herb «گیاه»،
 «کوه» mountain و «رود» هم river است.
 lion و panther و mule و ass،
 «شیر» و «یوز» است و «آستر» است و «خر» است.
 lightning است «برق» و «ابر»، cloud،
 thunder و rain «تندر» و «مطر» است.
 certain آمد «یقین» و doubt «گمان»،
 dry و wet چه «خشک» دان و «تر» است.
 «باغ» garden بود، meadow چو «چمن»،
 bird «مرغ» است، چون tree «شجر» است.
 under و down و beneath چه «زیر»،
 چو above با upon و up «زیر» است.
 «بعد» after شمار و before «قبل»،
 more «اکثر»، behind «پشت سر» است.
 not بود «لیس»، now بود «لان»،
 «مرّه» once، چون «هنا» here است.
 ought «باید»، why «چرا»، who «کی» (با تلفظ hovay)،
 every و each «هر»، other «دگر» است.
 «دود» باشد smoke و «شعله» flame (با تلفظ semok)،
 تا که spark نامی از «شرر» است.
 wood «هیزم» شمار و «خار» چه thorn،
 saw بود «اره»، ax چه «تبر» است.

cold «سرد» است و warm باشد «گرم»،
 health «صحت»، wickedness چه «شر» است.
 stone «سنگ» چون clod «کلوخ»،
 gain «نفع» است و loss چه «ضرر» است.
 road «راه» است و journey است «سفر»،
 fear «خوف» است و danger «خطر» است (با تلفظ deynejer)
 beau «فتنای ظریف»، «دختر» girl،
 همچو female «ماده» male «نر» است.
 Mediterranean چیست؟ «بحر سفید» (با تلفظ Meditarniyan)
 Caspian Sea عبارت از «خزر» است.
 این بدان بحر و آن روی است که گفت:
 «قلم بخت من شکسته سر است»^(۱)

وله ایضاً دو بیت

تو هفت کواکب سیار را شناس به نام:

sun است «مهر» و Venus «زهره»، Mars «بهرام».

«زحل» Saturn، Jupiter چه «مشتری»، moon «ماه»،

به Mercury که بود «تیر» ختم گشت کلام.

فی البحر المجتث

رخ تو برده ز خورشید خاوری رونق،

کراست جز تو دل از خاره بل ز استبرق؟

مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن،

ز بحر مجتث از این قطعه زیب یافت ورق:

black «سیاه»، green «اخضر» و white «سفید»، (با تلفظ hovâyt)

۱. شعر از خاقانی است:

قلم بخت من شکسته سر است موی در سر ز طالع هنر است

yellow چه «زرد» و red «احمر» بود، blue «ازرق»،
 pheasant و quail و crane با stork
 «تذرو» خوانی و «وشم» و «کلنگ» با «لقلق».
 fresh چه «تازه» و soft است «نرم» و hard «خشن»،
 body «بدن» شمر و perspiration چه «عرق». (با تلفظ persepirāšan)
 Flea و louse و fly، beetle را و mosquito
 «قُدد» شماری و «قَمَل» و «ذباب» و «گوزد» و «بق».
 city «مدینه» و «دروازه» gate و «برج» castle،
 تو «ارگ» را citadel خوان و ditch را «خندق».
 «طناب» rope بود، «خیمه» tent و army «جیش»،
 چنانچه camp «معسکر» بود، flag «بیرق».
 «حیاط» yard بود، tang «حوض» و wall «جدار»،
 چنانچه هست ladder «نردبان»، palace «جوسق».
 «رفو» و «سوزن» darning باشد و needle،
 «کلاه» و «کفش» cap و shoes «دان» «یملق».
 «نهان» چه secret، چون easy آمده «آسان»،
 «عیان» چه open، difficult را شمر «مغلق». (با تلفظ opn)
 semen «منی» بود و «قحبه» را شناسی whore
 چنانچه pimp «قرمساق» گشت و lust «شبق»،
 great و large «بزرگ» است و «خرد» دان small
 clever است چو «زیرک»، blackhead است «احمق»،
 شمار sulfur «گوگرد» و arsenic «زرنیخ»،
 lead است «سرب» و quick sliver بخوان «زیبق»،
 «شرنگ» شد colocynt و aloes گشت «صبر»،
 senna «سنا» ست، hellebore شمر «خربق»،
 reddish «ترب» و «خلر» vetch، lentil است «عدس»،
 برای قافیه خوان beet root را تو «سلق».
 millet چو «ارزن» و «کاه» straw و rice «برنج»،

«پنیر» bread و cheese «نان»، دو چیز خوب الحق.
 جواب انوری است این قصیده کاو فرمود:
 «مقدری نه به آلت به قدرت مطلق».^(۱)

فی البحر المتقارب

بده ساقیا آن می آتشین،
 که آتش زند خرمن عقل و دین.
 فعولن فعولن فعولن فعول،
 به بحر تقارب تقرب گزین:
 he «او»، I «من» و you «شما» و we است «ما»،
 they «ایشان»، that «آن»، thou «تو»، this چه «این».
 «و» and است و «یا» or، from است «از»،
 «الی» to و till، «با» with و such «چنین».
 through «بین» و in «در»، «هنوز» است yet،
 بیاری به نفی no، an و dis و in (حروف نافیه)
 orange است «نارنج» و «لیمو» lemon،
 grape است «انگور» و fig است «تین».
 throne «تخت شاهی»، crown است «تاج»،
 بود ring «حلقه»، خصوصاً نگین.
 چو از مرد «شاه» است، گوئیش king،
 چو از زن بود «شاه»، خوانی queen.
 Greece است «یونان» و Egypt «مصر»،
 بود India «هند» و china است «چین».
 deceiver چه «مغوی»، minister «وزیر»،
 چو merchant «تاجر»، trusty «امین».

۱. انوری در مناجات باری تعالی می گوید:

مقدری نه به آلت به قدرت مطلق
 کند ز شکل بخاری چو گنبد ازرق

«سما» heaven و «نجم» star و life «عمر»، (با تلفظ hev'n)
 grave است چون «گور» و time است «حین».
 «سنه» year باشد چو month است «شهر».
 «شهور» است months چو years «سنین». (با تلفظ ye'res)
 promise «و وعده»، treaty است «عهد»،
 چو «پیشه» است oath, art خوانی «یمین».
 بود socks «جوراب». چون «چکمه» boots,
 بود button «تکمه» sleeve «آستین». (با تلفظهای bân و seliv)
 بود lean و thin «لاغر» و «عیب» fault,
 plump است با fat به معنی «سمین».
 شمر «چای» tea، «چایدان» را tea pot,
 بود «نحل» bee، چون honey «انگبین».
 «کمر» را بخوان waist چون «دنده» rib,
 چو «ناخن» بود nail, forehead «جبین».
 «یهود» و «یهودیه» Jew و Jewess.
 «کتیف» است dirty چو «طیب» clean.
 بود mine «معدن»، چو «ریگ» است sand,
 ground است با pit «چاه» و «زمین».
 baby «بچه» باشد چو «توام» twins، (با تلفظ bebi)
 throe چون «مخاض» است و fetus «جنین».
 drink است و say و search و see این چهار
 «بنوش» و «بگویی» و «بجوی» و «ببین».
 bring است و wash است و sift و gather.
 «بیار» و «بشوی» و «ببیز» و «بچین».
 grind است با lick و weigh با select.
 «بسا» و «بلیس» و «بسنج» و «گزین».

وله ایضاً فی العداد

one «یک» و two «دو» و three «سه» و «چار»،

four و five است «پنج» وقت شمار.
 six «شش»، seven «هفت»، eight چه «هشت»،
 nine «نه»، ten به «ده» تو نام گذار.
 eleven با twelve «یا» «دیب» است^(۱)،
 «سیزده» در شمار thirteen آر.
 fourteen «چارده» است و مر fifteen.
 «پانزده» در حساب کرد مدار.
 sixteen است، seventeen و eighteen.
 nineteen «نوزده» است آخر بار.
 «بیست» باشد twenty و thirti
 «سی» بود، forty «چهل» بشمار. (با تلفظ fârti)
 هست «پنجاه» fifty و تا صد،
 لفظ «تی» همچو «تین» در آخر آر.
 hundred «صد» و «دویست» را به حساب (با تلفظ hândered)
 نام two hundred گرفته قرار.
 تا هزار از دو و سه افزایی،
 در مات، ای که در عمل هشیار.
 «الف» thousand دان و two thousand.
 در حساب محاسبین «دو هزار»
 تا به آخر چنین بود دریاب،
 وَقِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ.

وله ايضاً في بحر الرجز

تا چند باشد در غمت از دیده اشکم متصل؟
 آخر نگاهی سوی ما ای رشک خوبان چگل!
 مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن،

۱. در توضیح مجاور بیت آمده است که «یا» و «دیب» در حساب ابعاد ۱۱ و ۱۲ هستند.

می نام در بحر رجز tiger چو «ببر»، «اشتر» camel.
 «کفتار» hyena «خوک» hog و آنکه «پلنگ» آمد leopard.
 cub «بچه روباه و خرس»، «افغان و واویلا» ست yell.
 «ماهی قزل آلا» trout، «آزاد ماهی» دان salmon.
 پس «شاه ماهی» دان herring، چون «گوش ماهی» گشت shell.
 «سرطان» crab هم lobster، «میگو» shrimp است و prawn،
 «خشکی» است land و «موج» wave، «کشتی و ظرف» آمد vessel.
 «گرم» ست heat و «گرم» hot، «یخ» ice و «یخبندان» frost.
 بر ضد این دو، temperate آمد «هوای معتدل».
 «گر» yard و inch آمد «گره»، خوانی cubit را «ذراع»،
 span «وجب» دان ای ذکی، «یکذرع و یکچارچ» چه ell.
 «بیخ» است root و «برگ» leaf، «شادی» است joy و «غم» grief،
 چون joint آمد «متصل»، disjoint می دان «منفصل».
 «غربال» sieve، «آجر» brick، «بیل» و «کلنگ» spade و axe،
 «حجار و بنا» را شمر mason، چو «آسیابان» دان miller،
 barley چو «جو»، «گندم» wheat، چون «آسیا» خوانی تو mill.
 «عبد» و «حر» free، right است «حق» و «شرع» law.
 «رشوه» bribe، «قاضی» است judge، «باغی و طاغی» دان rebel.
 thief است «دزد» و «راهزن» robber شمر، «دزدی» چو theft،
 sentence «حکم شرع» دان، چون sin «گنه»، «بخل» pardon،
 «غیرت» چه envy، zeal «حسد»، همچون «حسود» آمد jealous،
 servant «چاکر»، «عشق» love، «معشوقه» را خوانی تو belle.
 «ناقوس» bell، «زاهب» چه monk، «منبر» شمر pulpit را،
 «واعظ» preacher، «مرگ» death، «ناقوس مردن» دان تو knell.
 «جنگ» است war و «صلح» peace، آنکه «عداوت» enmity،
 feelings «وجدان» است و «حس»، چون sentiment «افکار دل».
 «بی شرم» را گو impudent، «بی شرمی» آمد impudence،
 modest را «محبوب» دان، shame «انفعال» و shy «خجل».

genii «جن»، fairy «پری»، چون spirit و soul «جان»،
 Gabriel «جبرائیل» دان، «ابلیس و شیطان» خوان devil (با تلفظ gâbril)
 faith «اعتقاد»، skepticism «انکار ایمان» دان و «دین»،
 believer «مومن» را شمر، «کافر» چو باشد infidel.
 bless «نعمت»، همی «اهل نعیم» آمد blessed
 condemned «اهل هاویه»، چون «هاویه» گویی تو hell.
 cousin «اولاد عمو»، nephew شمار «اولاد اخ» (با تلفظ kâzn)
 parents خوانی «والدین» معنی «خوب» و «چاه» well.
 torture «شکنجه» دان و زجر، آنچه punishment است «عقاب»،
 coal است «فحم» آنکه blaze آمد «شواظ مشتعل»،
 چون gout «نقرس» شد، بدان gouty «به نقرس مبتلا»،
 «مسلول» خوان consumption، consumptive چو «سل»،
 perihelion چه «عکس خور»، «هاله» halo، eclipse را،
 می دان «کسوف مهر و مه»، shade و shadow میخوان تو «ظل»،
 «نیک»^(۱) آمد copulation، midnight چو «نیمه شب»،
 cock «زبذب» است و cunt «حر»، چون «خصیه» آمد testicle.
 «کار گذشته» past دان، باشد future «آتیه»،
 «ممکن» چو آمد possible، باشد «محال» impossible (با تلفظ impâsbel)
 «افسوس» alas، «ایضاً» ditto، «هرگز» never، «بسیار» much،
 «بمکن» probable شمر، perhaps می دان «محتمل»،
 unless «مگر اینکه»، of «از»، behold «اینک»، O چو «ای»،
 «آری» است yes، «مثل» است like، «هموار و یکسان» دان level.
 «فعل» است verb و «اسم» noun همچون plural «نام جمع»،
 «مفرد» شماری singular، چون «حرف» خوانی particle.
 باشد «مونث» feminine، همچون «مذکر» masculine،
 آمد neuter «مستوی»، چون «حرف عله» شد vowel (با تلفظ niyuter)

۱. در عربی به معنای «جماع» و «آمیزش».

خوانی «تهجی» spelling همچون negative است «نفی»،
 چون «تثنيه» باشد dual، همچون «دوتا» آمد double.
 گویم ادات معرفه: the و a و an بود،
 کاین هر سه را خوانی همی در انگلیسی article.
 «بشکن» break، «آویز» hang، «می آی» come، «میریز» pour،
 «می گیر» take، «می بند» shut، «بنویس» write، «می گوی» tell،
 «آموز» teach، «می ساز» make، «بگذار» let، «می کش» draw،
 «بفروز» light، «بگریز» run، «بشنو» hear، «بفروش» sell،
 «افکند» cast، «آموخت» taught، «زد» stroke، «آزد» hurt،
 «بشنید» heard، «بیرید» cut، «گسترده» laid، «افتاد» fell.

قطعه فی البروج

بروج را ز لتین انگلیس کرده اخذ:
 کنون باسم لتین «حمل» بود Aires
 تا Taurus «ثور» و «دو پیکر» شماریش Gemini،
 بگوی Cancer «خرچنگ» از پی تدریس.
 «اسد» Leo بود، نام «سنبله» Virgo،
 تو Libra را «میزان» شناس بی تبلیس.
 شمار «عقرب» Scorpio و با Virgo،
 وراست از نظر پنجگانه مرتسدیس (?)
 «کمان» و «جدی» Sagittarius و Capricorn،
 چه «دلو» را Aquarius شمار و «حوت» pices.

فی البحر المضارع

ای ز آفتاب روی تو خورشید در حجاب،
 وز موی عنبرین تو سنبل به پیچ و تاب،
 مفعولاً فاعلاتٌ مفاعیلٌ فاعلات،
 بحر مضارع است مر این بحر مستطاب:

egg «تخم مرغ» باشد و «خاگینه» omelet, (با تلفظ umlet) «یخنی» broth و «قلیه» hash و «کباب» roast دان «کباب».
 hen «ماکیان» و «جوجه» chicken دان، «خروس» cock
 turkey چه «مرغ بوقلمون» و «غراب» crow «غراب».
 «گنجشک» sparrow شمر و «آشیانه» nest.
 «خانه» است house و «جغد» چه owl و «خراب» ruin.
 «زین» دان saddle, «زمام» bridle, چون «دهنه» bit,
 «اسب» است horse, hoof «سُم» و «رکاب» stirrup.
 school «مکتب» آمد و چون «مدرسه» college,
 pen «خامه»، ink «حبر» بود، book مر «کتاب».
 sentence «جمله»، word «سخن»، dispute «بحث».
 lecture «افاده»، lesson چو «درس»، answer «جواب» (با تلفظهای lesn و ansver)
 doctor «طیب» و «عالم»، چون medicine «دوا»،
 «بیمار» disease, ill «مرض»، bed چه «رختخواب».
 «آسوده» دان tranquil, «آشفته» perplexed,
 «تعجیل» haste, «بیم» dread, fear «اضطراب».
 «محروم» disappointed و «مغموم» sorrowful
 «یاس» است depression و hopeful چو «کامیاب».
 «بیر» است old و young «جوان» و «طفل» child
 «پیری» چو oldness بود و youth دان «شباب».
 «شب‌نم» dew و «برف» چه snow, «تگرگ» hail
 «قوس قزح» چو rainbow آمد، bubble «حباب».
 room است «طاق» و «فراخ» wide است و tight «تنگ»
 خوانی را چو «لحاف» و «خواب» sleep. (با تلفظ selip)
 decanter است و bottle به معنای «تنگ می»، (با تلفظ bâtl)
 چون گشت spirit «عرق» و wine شد «شراب».
 right و truth «راست» شمر، چون «دروغ» false
 lie «کذب محض»، err «غلط» آمد، true «صواب».

«دانا» ست fool, wise «سفیه»، «ابله» است dunce
 refuse را «مضایقه» خوان، choice «انتخاب».
 rich است و poor و wealth «غنی» و «گدا» و «مال»،
 «رغبت» چو باشد shun, inclination «اجتناب».
 «چنگ» است harp و «نای» flute و guitar «عود»،
 «مطرب» شمار minstrel, چون rebeck «ریاب».
 «خرگوش» hare و antelope «آهو» و wolf «گرگ»،
 bear است «خرس» و «فیل» elephant و tusk «ناب».
 چون «متعه» mistress و «منکوحه» دان misses,
 چون «بکر» virgin آمد، پس veil دان «نقاب».
 باشد desert «بادیه» و «تشنه» thirsty,
 injure «اذیت» آمد و reproof شد «عقاب».
 emerald شد «زمرد» و چون diamond «ماس» (با تلفظ dāyemond)
 ruby و pearl «بهرمن» و «لولو» خوشاب.
 «طول» است و «عرض» longitude و latitude
 axis «محور» است و بود meteor «شهاب».
 چون «منطقه» است zodiac و همچو «قطب» pole,
 «خط استوا» ست چون equator «کره» globe.

قطعه فی الشهور

ماه‌های انگلیسی را شمارم بی‌خلاف:
 ماه اولشان بود January را مشتمل.
 زان پس February، پس March با April و May
 بر مه June و July، August می‌دان متّصل.
 از پس September، October شماری در حساب،
 از November چون December می‌نباشد منفصل.
 ماهشان این، اوّل هر سالشان بی‌اختلاف، یازده از جدی باشد، زو نگرده منتقل.

فی بحر المجتث

خیال روی تو ای رشک لعبتان طراز،
مراسم مونس و همدم در این شبان دراز.
مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلات،
ز بحر مجتث دلکش برآورم آواز:
praise «حمد و ثنا»، thank «شکر» و peace «سلام»،
چو است worship «عبادت»، prayer است «نماز».
breath شمار «نفس»، conclusion است «انجام»،
moment «لحظه» و همچون commencement «آغاز».
peacock شماری «طاووس» و partridge «گری»،
«عقاب» eagle, parrot «طوطی» است و goose چه «غاز».
minute «دقیقه» و «ساعت» hour، چو «شیشه» glass،
«درجه» half, degree «نصف» و mystery شد «راز».
wedding چیست «عروسی»، bride هست «عروس»،
marriage «مهر» شمر، چون bridal است «جهاز».
cue «اشاره» بود، precursory «تحریک»،
deceit «خدعه»، genius «ذکا»، honor «اعزاز».
تو «کرک» rhinoceros دان و ostrich «ظلم»،
frog «صغدغ» و bull «گاو نر»، sow است «گراز».
reward «اجرت» و «باور» belief و «طالع» fate،
چو «زهر» poison، چون supplication است «نیاز».
broad «پهن» و «سبک» light، چون heavy «سنگین»،
بود «حقیقت» indeed و metaphor چو «مجاز». (با تلفظ mitâfer)،
Beer, Madeira, Brandy و Rums با Champaign،
Port, Sherry و Liquor قسمهایی از «بگماز».
«گرسنه» hungry است و cloy چه «سیری»،
«طعام» food شمر چون avidity شد «آز».
beyond «آن سو»، also چه «نیز» و «لکن» but،

«مباد» dest «ازیرا» که as, again شد «باز».
 then است «آنگه»، پس since «منذ» و for «لاجل»،
 «کیلاهما» چه بود both، «اُتما» چه because
 beautiful چو «جمیل» است، مر blandishment
 «کرشمه» خوانی همچو coquetry را «ناز».
 «شکار» game, talon، «پنجه»، beak چه «منقار»،
 چو «بال» wing بود، hawk را شمار «باز».
 carrot چو asparagus, turnip با onion.
 بمعنی «گَرَز» و «مارچوبه»، «لُفت» و «پیاز».

قطعه فی ایام اسبوع

ایام هفته را بسریم که «هفته» week:
 «یکشنبه» Sunday است و «دوشنبه» چه Monday است.
 روز «سه شنبه» را بشماری Tuesday،
 روز نشاط و خرمی و نوبت می است.
 پس «اربعات» Wednesday و Thursday «خمیس»،
 «جمعه» Friday است، که او از پس وی است.
 «شنبه» Saturday است برای مسافرت،
 از گفته رسول، که روز نکو پی است.

فی البحر الخفیف

ای ترک بده می مغانه،
 با نای و نی و دف و چغانه.
 مفعولُ مفاعِلن فعولن،
 شد بحر خفیف در ترانه.
 «کاهو» ست lettuce و mulberry «توت»،
 watermelon است «هندوانه».
 looking-glass است نام «مرآه»،
 lock است و comb است «زلف» و «شانه».

دانی pleasant را «خوش و خوب»،
 mean «ذلت» و age را «زمانه».
 «زود» است چو soon و sad «پشیمان»،
 خوانی pretence را «بهانه».
 bill است «برات»، چو money «پول»،
 گویی treasure را «خزانه».
 «بشقاب» plate و bowl «کاسه»،
 ant است چو «مور» و hole «لانه».
 cushion و pillow شناس «بالش»،
 «فرش» است floor و home «خانه».
 stair و sap است با threshold.
 «مرقاه» و «رطوبت» و «ستانه».

boy چه «ولید» و «مراء» woman، (با تلفظ bāyi)
 womanly را شمر «زنانه».

«سیلی» slap است، چو «دهن» mouth، (با تلفظ selap)
 fist است چو «مشت»، jaw است «چانه».

fowl است چو «طیر» و paw است «پنجه»،
 net «دام» بود، grain «دانه».

garlic «سیر» است، و pestle «دسته»،

پس mortar شناس «یانه».

town است «قصبچه»، چو village «ده»،

margin شمري همي «کرانه».

فی البحر الرجز

از بوی زلف یار دی شد خانام رشک تبت،

وندر حساب بوسه اش صد بار افتادم غلت. (غلط)

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن،

خوانی تو در بحر رجز «پروانه» moth، «خفاش» bat.

«بر» embrace، «ابهام» thumb، «تابوت» coffin و «قبر» tomb.

«قالی» است dust, carpet «گرد»، چون «بوریا» گردید mat.
 خوان «اقربا» را kindred و unkind دان «نامهربان»،
 victim چو «قربان» بود و oil است «روغن»، «چرب» fat.
 «وادى» valley, چون «قله» ridge, «ینبوع» hill, fountain «تل»
 serpent «مار» و «خصم» foe, sting «نیش» و «پشه» gnat.
 poniard «دشنه»، sharp «تیز»، weapon «اسلحه»، «کُند» است dull (با تلفظ vejn)
 «انبار» magazine, «توده» heap, «دنب» است tail و «موش» rat (با تلفظ magzin)
 spoil «غارت»، guilt «جرم»، oblige «مَنّت»، «قرعه» dot.
 پس «نرم بارش» shower دان، «هموار» even با flat (با تلفظ šâvr)
 spoon «قاشق»، «چنگال» fork چون host آمد «میزبان»،
 خوان «ضیافت» banquet, kiss «بوسه» و «شایسته» pat.
 hart «آهوی نر»، «ماده» ram, roe «قوچ» خوانی، «میش» ewe,
 bitch آمده چون «ماده سگ»، «حجر» است mare و «گربه» cat.
 «بیدار» awake و «بذر» seed، «رویا» dream و «غنچه» bud.
 «بیمار» sick «حمّی» fever, چون «قال و قیل یاوه» chat.
 «شلوار» باشد pantaloon, «فحلاه» bag, «سنجاق» pin.
 یک قسم باشد از «کلاه»، کاو را همی گویند hat.
 «بنوشت» wrote, «آویخت» hung, «پوشید» wear, «بگرفت» took.
 «بفروخت» sold «برخاست» rose, «بدرید» tore, «بنشست» sat.
 «کل» است all و «بعض» some, «هیچ» است any و so «چنین»،
 «اینها» است these, «آنها» است those, «این» است this, «آن» است that.
 «تبا» چه fie, «اهلا» چو hale, «خاموش» hush, «آخ» است pish.
 «اسفل» below, «تخمین» about, «فی ولدی» گردید at.
 «آیا» whether, me مر «مرا»، «هرچند» though, «دایم» ever,
 thus «همچنین» و «بس» enough, «آنجا» thither «ماذا» what (با تلفظ hovat)

فی بحر الزّمل

دل و دین عشق توام داده به باد،
 نیست جز وصل توام هیچ مراد.

فعلاتن فعلاتن فعلات،
 از رمل باشدم این قطعه به یاد:
 student شناسی «شاگرد»،
 tutor را و teacher را مر «استاد».
 گفت accent مر آن «قوت صوت»،
 «حرکت» را syllable نام نهاد.
 sovereign «پادشه» و noble «نجیب» (با تلفظ nobl)
 هست descent و origin چه «نژاد».
 tyranny «ظلم» و چو «ظالم» tyrant،
 «دادگر» just بود، justice «داد».
 avarice است و miser «بخل» و «بخیل»،
 liberal liberality «جود» و «جواد».
 creator شمري «خالق» و people،
 چون creature به معنی «عباد».
 nation «امت» چو apostle «وُخشور»
 ease «راحت»، liberated «آزاد».
 wound «زخم» است و plaster «مرهم»،
 pain «درد» است و groan «نال» و «داد».
 picture «نقش» و چو painter «نقاش» (با تلفظ pikčevor)
 «صید» chase است، چو hunter «صیاد».
 inn «رباط» است و current است «رواج»،
 not current است به معنی «کساد».
 shape «قالب» بود و «صاف» clear (با تلفظ klir)
 arch «طاق» است و pillar هست «عماد».
 sheet «چادر شب» و curtain «پرده»،
 strong است «قوی»، soil چه «لاد».
 vulture «کرکس» و «قو» هست swan،
 duck چو «مرغابی» و kite آمده «خاد».
 dough «خمیر» است، flour است چو «آرد»،



این و مطالعات فریبگی
 مجله علوم انسانی

round «پیرامن» و top است «چکاد».
 size «اندازه» و always «مدام»،
 fine «نیکو» بود و help «امداد».
 bent «پیچید» و چو wrung است «افشرد»،
 came چون «آمد» و stood «استاد».
 last night است چه «دوش» و lady
 «خانم» و lad «پسر» و bare «بزد».

فی البحر المجتث

بنوش باده یا قوتی از کف جانان،
 که ساعتی برهاند ترا ز رنج جهان.
 مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلات،
 ز بحر مجتث این قطعه را کنیم بیان:
 meaning «معنی»، paper «کاغذ» و «حروف» letters،
 «قلمتراش» چو pen knife و file دان «سوهان»،
 «حکایت» story است و چو history «تاریخ»،
 «لغت» چو dictionary، language هست «لسان»،
 fruit «میوه» و «میز» است table، «کرسی» chair،
 foreign «غریبه» شمر، guest را بگو «مهمان».
 nut و almond تو با hazel، pomegranate را،
 شمار «گردو» و «بادام» و «فندق» و «رمان»،
 coffee است «قهوه» و milk است «شیر» و basin «جام»،
 saucer چو «نعلبکی» گشته، cup بود «فنجان»،
 grease «چربی» و «لحم» است meat و «شحم» tallow،
 lamb است «بزه» و raw «خام» و toast مر «بریان»،
 «معدل» equinoctial چون milk way،
 «مجزه» باشد و در فارسی است «کاهکشان»،
 شناسی «دایره» circle چو compasses «پرگار»،
 شمار «مرکز» center، چو middle است «میان».

debt است «وام»، debtor «وامدار» و bitter «تلخ»،
 mute «خاموش» و sound است «صوت» و sign «نشان».
 ashes «رماد» و royal «حضرت» و «مِقْص» scissors
 چو safe «امن» بود، «سَوَط» place dash «مکان».
 بگوى neighbor «همسایه»، heir را «وارث»،
 چنانچه wrong «غلط»، forget است مر «نسیان».
 «خیال» fancy و thought است «فکر» و mind «خِرَد»،
 question است «سؤال» و proof چون «برهان».
 cloth است چه «ماهوت»، «اطلس» است satin،
 چنانچه silk «بریشم» بود، liner «کتان».
 تو «قیر» را شماری pitch هم به مفرد و جمع،
 چنانچه deer بود هم «غزال» و هم «غزالان».
 beloved است چو «معشوق»، «عاشق» است lover،
 gay است آدم «عیاش»، children «صبيان».
 smith «قین» و چه carpenter آمده «نجار»،
 hammer چه «بتک» بود، anvil است مر «سندان».
 «گرانیها» است precious، «زبرجد» است topaz،
 gem است «جمله جواهر»، carol بود «مرجان».
 weather «هوا» و «عناصر» شمر همی elements،
 «مغازه» cave شناس و beast را «حیوان».
 «شراع» sail و «سفینه» است ship و mast «دکل»،
 vapor «بخار» و «زَبَد» foam، چون flood «طوفان». (با تلفظ vâpor)
 «فرات» Euphrates، «نیل» Nile و «شَط» Tigris،
 «کنار رود» بود bank و source «منبع» آن.
 شمار womb «رَجَم»، «کلبتین» را kidneys،
 چنانچه «ساعد» wrist است، bone را «سُتخوان».
 چو expect بود «انتظار» و «سرشک» tear،
 «چراغ» lamp و accusation است مر «بهتان».
 flock و herd بود «گله»، همچو cattle «ستور» (با تلفظ katl)

چنانچه «کشت» بود field، چون Shappard «شبان».
 Jacob چو حضرت «يعقوب» و «يوسف» است Joseph
 چنانچه Isaac «اسحق» و چون Canaan «کنعان».
 «حَبَش» Abyssinia، Syria است مر «شامات»،
 Prussia چو «پروس» و Persia «ایران».
 به سال شصت و نه از بعد یکهزار و دویست،
 به روز شنبه بیست و شش از مه شعبان،
 به روز چارم از ماه جون که سال حساب،
 ثلث و خمسين بیش از هزار و هشتصد دان (۱۸۵۳)
 که بود زهره و خورشید و تیر در جوزا
 دو نحس با مه در کاو و مشتری به کمان،
 که روز شانزدهم بود از مه خرداد،
 تمام گردید این شعرهای نغز و روان.
 روز چهارشنبه بیستم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۱ تحریر تمام شد، ۲۴ اگوست ۱۸۶۴.

منابع

۱. اقبال، عباس، (۱۳۱۸). «کتاب نصاب الصبیان»، آموزش و پرورش، سال نهم، شماره سوم.
۲. انوشه، حسین [ویراستار]، (۱۳۸۱)، فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. بامداد، مهدی، (۱۳۴۷)، تاریخ رجال ایران: قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هـ. ق. تهران: زوار، (ج ۳)
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۱)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. سلماسی زاده، جواد، (۱۳۵۱)، «نصاب الصبیان و تقلیدکنندگان آن»، وحید، سال دهم، شماره چهارم، صص ۳۹۷-۴۰۴.
۶. فرهاد میرزا معتمدالدوله، (۱۲۶۹ ق)، نصاب انگلیسی، تهران: اعتضادالسلطنه.
۷. معیرالممالک، دوستعلیخان، (۱۳۶۱)، رجال عصر ناصری، تهران: نشر تاریخ.
۸. نواب صفا، اسماعیل، (۱۳۶۶)، شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله، تهران: زوار.
۹. هدایت، رضا قلی خان، (۱۳۴۰)، مجمع الفصحاء، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.